

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۰۳ اپریل ۲۰۱۹

لاله داغدار

گل ار که نیست چه غم، بستری زخار که دارم
نباشد ار به کنارم نگار من، ز فراقش
مرا ز دامن او، مرگ هم جدا ننماید
هزار شیشه می، وامدار میکده هستم
به رزم مفتخوران، همردیف رنجبرانم
به یاری دگرانم در این زمانه چه حاجت؟
چه باک اگر نبود در شاهوار به دستم
برای دردسر، ای شیخ، اگر که وعظ نمائی
به مسجد ار که چو لاهوتیم کنند حقارت

چو لاله، یکدل پر خون داغدار که دارم
کنار و دامنی از خون دل نگار که دارم
گرفتم آنکه شوم خاک ره، غبار که دارم
چه غم که سیم و زرم نیست، اعتبار که دارم
دگر چه واهمه ز اغیار هست؟ یار که دارم
دو دست کار و دو بازوی نامدار که دارم
گرانبها تر از آن: شعر آبدار که دارم
بس است، بیهوده دیگر مگو، خمار که دارم
روم به میکده ز آنجا، ره فرار که دارم

استانبول، جنوری ۱۹۲۰